



The Transformative Role of Women in Sacred Defense: Representation and Identity in Iranian Resistance Literature

Zahra Kohsari, ^{1*}

1- Faculty Member, Department of Women and Family Studies, Faculty of Social and Economic Sciences, AlZahra University, Tehran, Iran

Abstract:

The role of women during the Iran–Iraq War, known as the Sacred Defense, was not confined merely to logistical support behind the front lines. Rather, their active, conscious, and voluntary engagement in diverse social, cultural, humanitarian, and even military fields revealed a new, multifaceted image of the Iranian Muslim woman. These women not only supported combatants on the battlefield but also played a pivotal role in sustaining the spirit of resistance, reinforcing the unity of defensive fronts, and preserving the culture of sacrifice and perseverance. Through roles such as medical assistants, nurses, cultural educators, narrators, authors, and at times even fighters, they became indispensable contributors to the national war effort. This significant and multi-dimensional presence reflects a deep transformation in the prevailing gender discourse in Iranian society, both before and after the Islamic Revolution. It led to a redefinition of the social and cultural status of women in wartime and beyond. Within this context, resistance literature has emerged as one of the most powerful platforms for the representation and preservation of these lived experiences. By constructing layered and identity-forming portrayals of women during war, this literature has echoed their essential contributions to shaping the culture of resistance and the national identity of Iranians. In these texts, women are not depicted as passive figures but as active agents and narrators of meaning who shape the collective memory and discourse of war. This article adopts an analytical-critical approach to examine the representation of women in resistance literature. It seeks to reinterpret the role of women in the formation of the discourse of resistance, the evolution of the Iranian Muslim woman's identity, and the broader cultural-social transformations brought about by war. Within this analytical framework, the linkage between women's lived experiences during the Sacred Defense and their literary representations is investigated as a foundation for a deeper understanding of their cultural and social position in contemporary Iranian history. Furthermore, this study attends to the artistic, ethical, and semantic dimensions of resistance literature while addressing the central question: How has the literary representation of women in the context of war laid the foundation for a new discourse surrounding the Iranian Muslim woman?

Review History:

Received: 18 Sep 2025

Revised: 4 Oct 2025

Accepted: 5 Oct 2025

Available Online: 7 Oct 2025

Keywords:

Women
Sacred Defense
Resistance Literature
Iranian Muslim Woman
Identity
Culture of Resistance
Representation
Gender Discourse.

How To Cite This Article:

Kohsari, Z. (2025). The Transformative Role of Women in Sacred Defense: Representation and Identity in Iranian Resistance Literature, *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(5) 79-90 (In Persian)



* نویسنده عهदार مکاتبات : z.kohsari@alzahra.ac.ir





نقش تحول آفرین زنان در دفاع مقدس: بازنمایی و هویت در ادبیات مقاومت ایران

زهرا کوهساری*

۱- عضو هیئت علمی گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران

چکیده:

تاریخچه داوری:

نقش آفرینی زنان در دوران دفاع مقدس، صرفاً محدود به حضور در پشت جبهه‌ها و پشتیبانی از رزمندگان نبود، بلکه مشارکت فعال، آگاهانه و داوطلبانه آنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، امدادی و حتی نظامی، چهره‌ای نو و چندبعدی از زن مسلمان ایرانی را به نمایش گذاشت. زنانی که نه تنها با حضور در صحنه‌های جنگ، پشتیبان و حامی رزمندگان بودند، بلکه با ایفای نقش‌های متنوعی چون امدادگر، پرستار، مربی فرهنگی، راوی، نویسنده و گاه حتی مبارز، سهمی بی‌بدیل در تقویت روحیه مقاومت، انسجام جبهه‌های دفاعی و تداوم فرهنگ ایثار و پایداری ایفا کردند. این حضور فعال، نشان‌دهنده تحولی عمیق در گفتمان جنسیتی رایج در جامعه ایران پیش و پس از انقلاب اسلامی است؛ تحولی که به بازتعریف جایگاه زن در بستر اجتماعی و فرهنگی منجر شد. در این میان، ادبیات پایداری به عنوان یکی از بسترهای مهم بازنمایی این نقش‌ها و تجارب زیسته، نقشی کلیدی در ثبت و تثبیت این تحولات داشته است. این ادبیات توانسته است با خلق تصویرهایی چندلایه و هویت‌ساز از زنان در جنگ، سهم آنان را در شکل‌گیری فرهنگ مقاومت و هویت ملی ایرانیان بازتاب دهد. زن در این متون، نه موجودی صرفاً منفعل، بلکه فاعل اجتماعی و معنابخش روایت‌ها و خاطرات جنگ است. مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی-انتقادی به بررسی بازتاب حضور زنان در متون ادبیات پایداری می‌پردازد و تلاش دارد با تحلیل روایت‌های موجود، نقش زنان را در شکل‌دهی به گفتمان مقاومت، تکوین هویت زن مسلمان ایرانی و تحول فرهنگی-اجتماعی ناشی از جنگ بازخوانی کند. در این چارچوب، پیوند میان تجربه زیسته زنان در دفاع مقدس و بازنمایی آن در ادبیات، به‌منزله بستری برای درک ژرف‌تر از جایگاه فرهنگی و اجتماعی آنان در تاریخ معاصر ایران تحلیل می‌شود. این بررسی، ضمن توجه به وجوه هنری، ارزشی و معنایی ادبیات پایداری، در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه بازنمایی زن در متون مقاومت، گفتمان جدیدی از زن مسلمان ایرانی را بنیان نهاده است.

کلمات کلیدی:

زنان
دفاع مقدس
ادبیات پایداری
هویت زن مسلمان ایرانی
فرهنگ مقاومت
بازنمایی
گفتمان جنسی

برای ارجاع به این مقاله از عبارت زیر استفاده کنید:

Kohsari, Z. (2025). The Transformative Role of Women in Sacred Defense: Representation and Identity in Iranian Resistance Literature, *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(5) 79-90 (In Persian)





انجمن عالی دفاع مقدس ایران

نشریه مطالعات راهبردی زنان، دفاع و صلح

نشریه مطالعات راهبردی زنان، دفاع و صلح، دوره ۲، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۴، صفحات ۷۹-۱۶



* نویسنده عهدار مکاتبات : z.koohsari@alzahra.ac.ir

حقوق مولفین به نویسندگان و حقوق ناشر به انجمن علمی دفاع مقدس ایران داده شده است. این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Dreative Commons License) در دسترس شما قرار گرفته است. برای جزئیات این لیسانس، از آدرس <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



دیدن فرمائید.

مقدمه

دفاع مقدس یکی از برجسته‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران است که نه تنها ساختارهای سیاسی و نظامی کشور را تحت تأثیر قرار داد، بلکه تحولی ژرف در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی نیز پدید آورد. در این میان، نقش آفرینی زنان در این واقعه تاریخی، صرفاً محدود به پشت جبهه و حمایت‌های غیرمستقیم نبود، بلکه آنان در عرصه‌های مختلف، از امداد رسانی گرفته تا تربیت نسل مقاومت، حضوری مؤثر و الهام‌بخش داشتند. این حضور فعال، به بازتعریف هویت زن مسلمان ایرانی انجامید و الگویی نو از زن مجاهد، مقاوم و فعال در عرصه‌های اجتماعی و ملی ارائه داد. از سوی دیگر، بازتاب این حضور تاریخی در ادبیات معاصر، به‌ویژه در شاخه‌ای که با عنوان «ادبیات پایداری» شناخته می‌شود، قابل توجه است. ادبیات پایداری، که در واکنش به تجربیات زیسته جنگ و مقاومت شکل گرفته، بستری برای بازنمایی نقش زنان در روایت‌گری جنگ، مقاومت، و معنابخشی به مفاهیم همچون ایثار، صبر و هویت دینی-ملی فراهم کرده است. در این متون، زنان نه فقط به عنوان سوژه‌هایی حاشیه‌ای، بلکه به مثابه کنشگران فرهنگی و حاملان گفتمان مقاومت به تصویر کشیده می‌شوند. تحلیل این بازنمایی‌ها نه تنها امکان فهم ژرف‌تری از تحولات گفتمان جنسیت در بستر دفاع مقدس را فراهم می‌آورد، بلکه به فهم چگونگی بازتولید یا مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی در ادبیات نیز یاری می‌رساند. این مقاله در پی آن است تا با تمرکز بر نمودهای زنانه در ادبیات پایداری، به واکاوی نحوه بازنمایی زنان در این متون پرداخته و از خلال آن، تصویری چندلایه از هویت زن مسلمان در بستر جنگ و پایداری ارائه دهد.

سوالات اصلی پژوهش :

- ۱) بازنمایی زن در گفتمان انقلاب اسلامی و ادبیات پایداری چگونه صورت گرفته و چه نقش‌هایی به زنان در این متون اختصاص یافته است؟
- ۲) ادبیات مقاومت ایران از منظر جنسیت چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با ادبیات مقاومت جهانی دارد و این مقایسه چه ابعادی از نقش زن در روایت‌های پایداری را برجسته می‌سازد؟

ادبیات نظری :

مطالعه بازنمایی زنان در ادبیات پایداری، مستلزم بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری چندلایه‌ای است که بتواند همزمان ابعاد گفتمانی، جنسیتی و ادبی را پوشش دهد. در این راستا، سه حوزه نظری کلیدی به عنوان مبانی این پژوهش مدنظر قرار می‌گیرد: نظریه‌های بازنمایی و گفتمان، نظریه‌های جنسیت، و رویکردهای مطالعات ادبیات مقاومت.

۱) نظریه بازنمایی و گفتمان

در حوزه مطالعات فرهنگی، بازنمایی نه تنها به بازتاب واقعیت، بلکه به سازوکار تولید معنا در چارچوب‌های زبانی و گفتمانی اشاره دارد. از منظر استوارت هال (Hall, 1997)، بازنمایی همواره با قدرت گره خورده است و در بستر گفتمان‌ها، معناهای خاصی را تثبیت می‌کند. به‌ویژه در مواقع بحران، گفتمان‌های مسلط با بهره‌گیری از ابزارهایی چون ادبیات و رسانه، نقش‌های اجتماعی را تعریف و بازتولید می‌کنند. در همین راستا، مفهوم گفتمان نزد فوکو (Foucault, 1980) نیز تأکید می‌کند که گفتارها نه تنها بازتاب جهان، بلکه خود، سازنده جهان اجتماعی‌اند.

۲) نظریه‌های جنسیت و بازنمایی زن

در مطالعات جنسیت، توجه به نحوه بازنمایی زنان در متون فرهنگی و ادبی جایگاه برجسته‌ای دارد. لورا مالوی (Mulvey, 1975) در نظریه "نگاه مردانه"، تحلیل می‌کند که زنان در بسیاری از متون هنری و روایی، به مثابه «ابژه‌ای برای تماشای مردانه» بازنمایی می‌شوند. در مقابل، فمینیسم‌های موج سوم با تأکید بر عاملیت زنان و تنوع هویت‌های زنانه، بر اهمیت روایت‌های بدیل از تجربه زنان تأکید دارند (Butler, 1990؛ hooks, 2000) در ادبیات جنگ نیز، از نگاه تحلیل‌گران

فمینیست، باید نقش‌های چندگانه زنان بررسی شود تا روشن گردد چگونه آنان در دل بحران‌های ملی، از حاشیه به مرکز گفتمان راه یافته‌اند

۳) رویکردهای مطالعات ادبیات پایداری و مقاومت

ادبیات مقاومت، گونه‌ای از ادبیات متعهد است که در آن تجربه زیسته در بستر خشونت، اشغال، جنگ یا استعمار بازتاب می‌یابد. بر اساس رویکرد ادوارد سعید (Said, 1993)، ادبیات مقاومت، تلاشی است برای بازنویسی تاریخ از منظر فرودستان و استعمارزدگان. در این نوع ادبیات، روایت‌ها اغلب وجهی انتقادی، احساسی و هویت‌ساز دارند. در ایران، ادبیات دفاع مقدس یا پایداری، شکل بومی‌شده‌ای از این سنت ادبی است که با گفتمان دینی و ملی گره خورده است و زن در آن نه تنها به‌عنوان مادر و همسر، بلکه به‌عنوان راوی، شهید، فعال فرهنگی و حافظ ارزش‌ها حضور دارد

۴) تلفیق نظریه‌ها در چارچوب مفهومی پژوهش

در این پژوهش، از تلفیق سه رویکرد بالا، برای تحلیل گفتمان جنسیتی در متون ادبیات پایداری استفاده می‌شود. با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی، بازنمایی نقش‌های زنان بررسی می‌گردد؛ و با ارجاع به نظریه‌های جنسیت، تنوع و محدودیت‌های این نقش‌ها ارزیابی می‌شود. همچنین، خوانش تطبیقی با ادبیات مقاومت جهانی امکان تحلیل بینامتنی و شناخت وجه تمایز گفتمان زن در ادبیات پایداری ایران را فراهم می‌کند.

پیشینه پژوهش و مدل پژوهش در این مقاله:

پیشینه پژوهش مطالعه نقش زنان در دفاع مقدس و بازتاب آن در متون ادبی، به‌ویژه ادبیات پایداری، در دهه‌های اخیر مورد توجه محققان متعددی قرار گرفته است. در حوزه پژوهش‌های داخلی، آثار متعددی با تمرکز بر بازنمایی زنان در خاطرات، رمان‌ها، و مستندنگاری‌های دفاع مقدس شکل گرفته‌اند. به‌عنوان نمونه، برخی مطالعات به بررسی نقش زنان در خاطرات دفاع مقدس پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که چگونه زنان در این متون به‌عنوان عاملان اجتماعی و فرهنگی تصویر شده‌اند، نه صرفاً بازماندگان یا همراهان مردان (مثلاً: پژوهش‌های منتشرشده در فصلنامه‌های «مطالعات زنان»، «پژوهش‌نامه ادبیات پایداری» و «مطالعات فرهنگی و رسانه»). (در سطح پژوهش‌های بین‌المللی، اگرچه تمرکز مشخصی بر ادبیات دفاع مقدس ایران کمتر دیده می‌شود، اما مطالعاتی در حوزه «ادبیات جنگ» و «مطالعات زنان و جنگ» قابل استناد هستند؛ به‌ویژه آن دسته از تحلیل‌هایی که به بازنمایی جنسیت در متون روایی مقاومت پرداخته‌اند. نظریه‌پردازانی چون «سیندی انزالدوا»، «ژولیا کریستوا» و «لورا مالوی» نیز از منظر نقد جنسیتی و گفتمانی به تحلیل نقش زنان در متون مقاومت پرداخته‌اند که می‌تواند برای فهم ابعاد نظری این پژوهش سودمند باشد.

مدل مفهومی پژوهش مدل پژوهش حاضر مبتنی بر تحلیل گفتمان فرهنگی-اجتماعی در چارچوب ادبیات پایداری است. در این مدل، از مفروضات نظری مطالعات جنسیت، نقد گفتمان، و ادبیات مقاومت بهره گرفته می‌شود. پژوهش با تمرکز بر سه محور اصلی پیش می‌رود

۱. تحلیل گفتمان نقش زن در متون منتخب ادبیات پایداری (خاطرات، داستان، رمان و شعر)؛
۲. شناسایی مؤلفه‌های بازنمایی زن مسلمان مقاوم در ساختارهای معنایی و زبانی این متون؛
۳. بررسی نسبت میان روایت‌های زنانه و بازتولید یا چالش با گفتمان غالب جنسیتی در دوران جنگ. این مدل ضمن اتکا به روش تحلیل کیفی محتوای متون ادبی، از نظریه‌های فرهنگی درباره مقاومت و جنسیت بهره می‌گیرد تا به فهمی عمیق‌تر از جایگاه زنان در حافظه جمعی و روایت‌های ادبی جنگ دست یابد.

مدل نظری ساده:

۱. گفتمان انقلاب و دفاع مقدس (زمینه)

✓ ایدئولوژی انقلاب اسلامی

✓ فرهنگ ایثار و شهادت

✓ روایت رسمی از نقش‌های زنان

۲. ادبیات پایداری (واسطه)

✓ شعر، رمان، خاطره، زندگینامه

✓ بازنمایی نمادین زنان

✓ تقویت یا نقد کلیشه‌های جنسیتی

۳. بازنمایی زنان (متغیر وابسته)

✓ نقش‌های متکثر: مادر، رزمنده، امدادگر، راوی

✓ از حاشیه به مرکز

✓ نقد یا بازتولید نظم جنسیتی

ارتباط متغیرها:

گفتمان انقلاب → بر ادبیات پایداری اثر می‌گذارد

ادبیات پایداری → الگوهای بازنمایی زنان را شکل می‌دهد.

الف) جایگاه زن در گفتمان انقلاب و دفاع مقدس:

در گفتمان انقلاب اسلامی، زن نه تنها موجودی صرفاً عاطفی و در حاشیه نیست، بلکه به‌عنوان موجودی مؤمن، انقلابی و فعال در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تعریف می‌شود. این نگاه نوین، برخاسته از آموزه‌های اسلامی و متأثر از اندیشه‌های امام خمینی (ره)، زمینه‌ساز حضور پررنگ زنان در عرصه‌های مقاومت و ایثار، به‌ویژه در دوران دفاع مقدس شد. امام خمینی (ره) با تأکید بر اینکه «زنان انسان‌سازند» و «از دامن زن، مرد به معراج می‌رود»، بنیانی فکری را فراهم آورد که زن را به‌عنوان نیرویی تعیین‌کننده در تحولات اجتماعی و حماسی انقلاب و جنگ تحمیلی معرفی می‌کند (صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۷؛ ج ۱۰، ص ۳۲۴).

در منظومه فکری انقلاب، زن تنها پشتیبان جنگ یا مادر شهید نیست؛ بلکه در نقش کنشگری اجتماعی، امدادگر، راوی و حتی رزمنده ظاهر می‌شود. این دگرگونی مفهومی، زن مسلمان را از حاشیه به متن تاریخ مقاومت وارد می‌کند و بستر بروز و ظهور او را در صحنه‌های مختلف، از خط مقدم تا فضای فرهنگی، فراهم می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۵۶).

گفتمان دفاع مقدس، با تکیه بر مفاهیمی چون ایثار، شهادت، مقاومت و ولایت‌مداری، بر ارزش‌های مشترک انسانی و الهی تأکید می‌کند و زنان را حاملان این ارزش‌ها در خانه، بیمارستان، جبهه و محیط فرهنگی می‌داند (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). در این گفتمان، نقش زنان مکمل یا تابع نیست، بلکه مشارکتی اصیل و اثرگذار است. از امدادرسانی تا ثبت خاطرات رزمندگان، از تربیت فرزندان مقاوم تا مشارکت در همیاری‌های مردمی، زنان حضوری فعال و مؤثر در تحقق آرمان‌های انقلاب و جنگ دارند (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۸۷).

این تصویر از زن، برخلاف بازنمایی‌های تقلیل‌گرایانه در برخی گفتمان‌های سنتی یا مدرن، ناظر به هویتی است که در آن، زن می‌تواند هم‌زمان هم در نقش مادری مهربان و هم در مقام فعال اجتماعی و فرهنگی بدرخشد. دفاع مقدس بستری شد برای بازتعریف زن مسلمان انقلابی، که نه در تقابل با مرد، بلکه در تعامل با او، ساختارهای اجتماعی و ارزشی جدیدی را رقم می‌زند (فلاحی، ۱۳۹۸: ۱۱۲).

در ادامه، بازتاب این گفتمان در متون ادبی و هنری دوران جنگ و پس از آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا نشان داده شود چگونه زن از یک موقعیت نمادین به سوژه‌ای فعال در روایت‌های پایداری بدل شده است.

ب) بازنمایی زن در ادبیات پایداری: از حاشیه تا مرکز

ادبیات پایداری به‌مثابه آیین‌های از تجربه‌های جمعی ملت ایران در دوران انقلاب و جنگ تحمیلی، بستر مهمی برای بازنمایی نقش‌ها و هویت‌های اجتماعی، به‌ویژه هویت زنانه بوده است. تا پیش از انقلاب اسلامی، تصویر زن در ادبیات غالباً یا کلیشه‌ای بود — چون مادر فداکار یا معشوق محذوف — یا به حاشیه رانده می‌شد. اما ادبیات پایداری، به‌ویژه پس از جنگ، افق جدیدی گشود که در آن، زن از موقعیت حاشیه‌ای خارج شده و به‌عنوان کنشگر روایت‌گر، حافظ حافظه تاریخی و حامل ارزش‌های مقاومت معرفی می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۲: ۴۷).

در آثار شاخص این جریان، زن نه‌تنها موضوع روایت بلکه راوی تجربه است. آثاری چون *دا* (سیده زهرا حسینی، ۱۳۸۷) و *کوچه نقاش‌ها* (غضنفری، ۱۳۹۱) روایت‌هایی خودزندگینامه‌گون از زنانی هستند که با صدای خود، تجربه جنگ، ترس، استقامت و ایمان را بازگو می‌کنند. این حضور فعال، نشانه عبور از وضعیت ابژه بودن به سوژه بودن در متن است؛ به‌عبارت دیگر، زن از موضوع روایت به تولیدکننده معنا بدل می‌شود (مقصودی، ۱۳۹۸: ۷۵).

این چرخش گفتمانی را می‌توان در زبان، سبک و ساختار متون نیز مشاهده کرد. ادبیات پایداری زنانه، اغلب با روایتی عاطفی اما متعهد به حقیقت، مرزهای بین فردی و جمعی را درمی‌نوردد. زن در این متون، واسطه‌ای است برای انتقال حقیقت جنگ به نسل‌های بعدی؛ حافظی است از حافظه جمعی مقاومت و ایثار (جعفری‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

حضور پررنگ زنان در قالب مادر شهید، پرستار جبهه، راوی جنگ، امدادگر، خواهر رزمنده یا حتی مبارز مسلح، نشان‌دهنده ظرفیت بیانی وسیعی است که ادبیات پایداری برای بازتعریف زن مسلمان فراهم کرده است (نصراللهی، ۱۴۰۰: ۶۴). نکته مهم دیگر، تنوع در تجربه‌های زنانه در این متون است. ادبیات پایداری، زنان را صرفاً در نقش‌های سنتی نمی‌بیند بلکه به تجربه زیسته‌ی آن‌ها از جنگ، تنهایی، مهاجرت، شهادت، اسارت و حتی تروماهای پساجنگ نیز توجه دارد. این رویکرد باعث شده که ادبیات پایداری زنانه، به ابزاری برای بازیابی هویت زن مسلمان انقلابی تبدیل شود که هم از رنج می‌نویسد و هم از امید، هم از سوگواری می‌گوید و هم از ایمان به پیروزی (صادقی، ۱۳۹۵: ۹۲).

در مجموع، بازنمایی زن در ادبیات پایداری نشان‌دهنده تحولی بنیادین در گفتمان جنسیت در متون‌های روایی ایران پس از انقلاب است؛ تحولی که زن را از حاشیه به مرکز معنا، روایت و حافظه جمعی منتقل کرده است.

ج) نقش‌های متکثر زنان: امدادگر، راوی، مادر رزمنده

در جریان جنگ تحمیلی، نقش زنان به‌عنوان همسر، مادر، خواهر، امدادگر، راوی و حتی رزمنده، به‌طور چشمگیری در ادبیات پایداری به تصویر کشیده شده است. این تنوع در نقش‌ها، بیانگر تحولی در نگرش اجتماعی و فرهنگی نسبت به زنان در زمان جنگ است. از یک‌سو، زنان در متون پایداری صرفاً در نقش‌های سنتی مادرانه یا همسری دیده نمی‌شوند، بلکه نقش‌های جدیدی همچون راوی، امدادگر، و حتی رزمنده به آن‌ها نسبت داده می‌شود که همگی، به‌عنوان الگوهایی از ایثار و فداکاری معرفی می‌شوند (کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

✓ امدادگر: نمایی از ایثار و فداکاری یکی از نقش‌های برجسته‌ای که زنان در دوران جنگ تحمیلی ایفا کردند، نقش امدادگران است. زنان امدادگر با حضور خود در جبهه‌های جنگ، نشان دادند که ایثار و فداکاری تنها مختص مردان نیست و می‌توانند نقش‌های عملیاتی و پشتیبانی مهمی را در طول جنگ ایفا کنند. این زنان در کنار انجام وظایف

پزشکی، به یاری رزمندگان می‌پرداختند و بسیاری از آن‌ها با تحمل رنج و مشقت‌های فراوان، جان خود را در مسیر خدمت به هم‌وطنان فدای اهداف بزرگ ملی می‌کردند (محمودی، ۱۳۹۷: ۷۲) در ادبیات پایداری، شخصیت‌هایی چون زینب سلیمانی که به‌عنوان امدادگر در مناطق جنگی خدمت می‌کرد، به‌طور برجسته نمایانگر این نقش هستند. روایت‌هایی همچون داء، به‌طور مشخص نقش زنان امدادگر را با جزئیات خاصی بازنمایی کرده‌اند. در این آثار، زنان نه‌فقط در نقش پزشک یا پرستار بلکه در موقعیت‌های بسیار دشوار جنگی نیز به‌عنوان فردی فداکار و پرتلاش حضور دارند (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۶۳)

✓ **راوی:** زنان در بازگویی تجربه جنگ نقش زنان به‌عنوان راوی جنگ، از دیگر جنبه‌های مهم در ادبیات پایداری است. زنان در این متون، با استفاده از زبان خود، خاطرات و تجربیات خود را از دوران جنگ به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند. این زنان نه‌فقط به‌عنوان شاهدان بی‌طرف، بلکه به‌عنوان افراد دارای افکار، احساسات و تأملات عمیق در مورد جنگ، تروما و مقاومت، به روایت جنگ پرداخته‌اند (زارع، ۱۳۹۶: ۴۹) در اینجا باید به شخصیت‌هایی چون نرگس آبیار اشاره کرد که در کتاب‌هایی مانند نوشته‌های نیکو، به‌طور مؤثر تجربیات زنان جنگی را از منظر روان‌شناختی و اجتماعی به تصویر کشیده است. در واقع، زنان راوی نه‌فقط از خط مقدم جنگ بلکه از زندگی در پشت جبهه، از لحظات انتظار و دل‌شکستگی‌های ناشی از فقدان‌ها نیز سخن می‌گویند. این روایت‌ها، ابزاری هستند برای درک عمیق‌تر جنگ و پیامدهای آن بر جامعه ایرانی (یوسف‌زاده، ۱۳۹۹: ۸۴)

✓ **مادر رزمنده:** قلب تپنده انقلاب مادران رزمندگان، یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های انسانی در دوران دفاع مقدس به شمار می‌روند که در ادبیات پایداری، اغلب به‌عنوان نماد ایثار و فداکاری به تصویر کشیده شده‌اند. این مادران، در کنار وظایف خانوادگی خود، به تربیت فرزندان پرآواختند که جان خود را در میدان‌های جنگ گذاشتند. در ادبیات پایداری، مادران نه‌فقط به‌عنوان حامی بلکه به‌عنوان الگویی از استقامت و ایمان، نقش محوری دارند. آن‌ها فرزندان پرورش دادند که در میدان‌های جنگ می‌جنگیدند و یاد مادرانشان را با فداکاری‌هایشان زنده نگه می‌داشتند (حسینی، ۱۳۹۸: ۱۲۰)

در بسیاری از روایت‌ها، مادران از فقدان‌های بزرگ صحبت می‌کنند و از آنجا که اغلب خود را در نقش‌های ثانویه یا پشتیبانی تصور می‌کردند، احساس می‌کنند که «جایگاه» آنان در تاریخ جنگ باید بازتعریف شود. آثار مختلف مانند کوچه نقاش‌ها و خواب درختان به‌وضوح این نقش را در قالب تصاویر مادرانی که از دست دادن فرزند، در کنار انتظار و دعا‌های بی‌وقفه را به‌تصویر می‌کشند، بازنمایی می‌کند (کاظمی، ۱۳۹۵: ۳۳)

پیوند میان این نقش‌ها و هویت زنانه:

ترکیب این نقش‌ها در ادبیات پایداری، نشانگر تحولی بنیادین در درک ما از هویت زنانه در دوران جنگ است. زنانی که در این دوران، علاوه بر ایفای نقش‌های سنتی و مادری، نقش‌های رزمنده، امدادگر، و راوی را نیز به عهده می‌گیرند، تصویر جدیدی از زنان مقاوم، فداکار و پرتوان ارائه می‌دهند که فراتر از کلیشه‌ها و محدودیت‌های اجتماعی سنتی قرار دارد (جعفری‌نژاد، ۱۴۰۰: ۴۶). این بازنمایی‌ها نشان‌دهنده تغییر در نگاه جامعه به زن است؛ زنی که هم در جبهه‌های جنگ و هم در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی حضوری فعال دارد و به نوعی، حافظ هویت مقاومت و ایستادگی می‌شود.

د) نقد گفتمان جنسیت در متون مقاومت

ادبیات مقاومت و پایداری در ایران، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی و در دوران جنگ تحمیلی، به بازنمایی فداکاری‌ها و رشادت‌های مردان و زنان در بستر دفاع از میهن پرداخته است. با این حال، نگاه جنسیتی حاکم بر بخش‌هایی از این متون، گاه

در بازتولید کلیشه‌های سنتی نقش‌های زن و مرد عمل کرده و در مواردی نیز از بازنمایی واقعی و چندبعدی تجربه زنانه در جنگ فاصله گرفته است (نصرالله‌پور، ۱۳۹۸: ۷۷)

بازتولید نقش‌های سنتی و جنسیتی بخش عمده‌ای از ادبیات پایداری، زنان را در نقش‌هایی چون مادر شهید، همسر منتظر، یا امدادگر فداکار بازنمایی می‌کند که هرچند نقش‌هایی ارزشمند هستند، اما اغلب از منظر ایثار عاطفی، انفعال و انتظار روایت می‌شوند. در این نگاه، زن بیشتر در نسبت با مرد (رزمنده، شهید، فرمانده) تعریف می‌شود تا به‌عنوان یک سوژه مستقل با عاملیت اجتماعی و فردی. این نوع بازنمایی، هرچند با نیت تجلیل از زنان انجام می‌شود، اما به تداوم نگاه مردانه و یک‌جانبه نسبت به هویت زن دامن می‌زند (معینی، ۱۳۹۶: ۹۲)

به‌عنوان مثال، در آثار خاطره‌نگارانه‌ای چون دا، اگرچه حضور فعال یک زن در خط مقدم جنگ روایت می‌شود، اما همچنان چارچوب کلی اثر به گونه‌ای طراحی شده که زن را در خدمت نقش‌های سنتی و از خودگذشتگی مطلق قرار می‌دهد، نه در جایگاه یک کنشگر تصمیم‌گیر مستقل (سپهری، ۱۴۰۰: ۱۰۲)

غیبت یا کم‌رنگی تجربه زنانه مستقل

یکی دیگر از نقدهای وارد بر گفتمان جنسیت در متون مقاومت، غیبت یا کم‌رنگ بودن روایت‌های زنانه‌ای است که از زاویه‌ای مستقل، جنگ را تجربه کرده‌اند؛ تجربه‌هایی که ممکن است با مفاهیم ترس، تردید، تروما و حتی اعتراض همراه باشد. بسیاری از این متون، تمایل دارند زن را در قالب چهره‌ای آرمانی، مقاوم، مؤمن و مطلقاً مثبت تصویر کنند، و از ارائه چهره‌ای واقع‌گرایانه و چندبعدی پرهیز می‌شود (فروتن، ۱۴۰۲: ۵۶). این نگاه ایدئولوژیک، سبب شده است که تجربه‌های عمیقاً انسانی و متنوع زنان در دوران جنگ، کمتر مجال ظهور یابند.

امکان بازخوانی فمینیستی

از منظر نظریه‌های فمینیستی، بازخوانی متون مقاومت می‌تواند به کشف لایه‌های پنهان قدرت، جنسیت، و بازتولید سلطه مردانه کمک کند. تحلیل‌های فمینیستی بر این نکته تأکید دارند که چگونه گفتمان‌های مقاومت، در کنار بازنمایی فداکاری زنان، هم‌زمان به تداوم ساختارهای پدرسالارانه و نابرابری‌های جنسیتی نیز کمک کرده‌اند (هالیدی، ۲۰۱۷: ۳۳).

به‌طور مثال، در بسیاری از متون، مردان به‌عنوان قهرمانان مبارز و فرماندهان روایت می‌شوند، در حالی که زنان حتی در مقام رزمنده، در چارچوبی اخلاقی و سنتی به تصویر کشیده می‌شوند که بیشتر حامل پیام‌های فرهنگی و اخلاقی هستند تا سوژه‌های اجتماعی با عاملیت سیاسی (طالبی، ۱۳۹۷: ۱۱۹)

ضرورت گفتمانی جدید

برای عبور از محدودیت‌های موجود، نیاز به تولید متونی با زبان و نگاهی نو وجود دارد که زنان را نه صرفاً در نسبت با مردان و نه فقط در قالب نقش‌های از پیش تعیین‌شده، بلکه به‌عنوان انسان‌هایی چندبعدی، دارای تجربه، آگاهی و انتخاب، بازنمایی کند. چنین گفتمانی می‌تواند با خلق روایت‌هایی متنوع‌تر، به تقویت عدالت جنسیتی در حافظه فرهنگی جنگ یاری رساند (کبریایی، ۱۴۰۱: ۶۴)

ه) خوانش تطبیقی با ادبیات مقاومت جهانی

ادبیات مقاومت، در سطوح مختلف فرهنگی و جغرافیایی، بازتاب‌دهنده تلاش انسان‌ها برای ایستادگی در برابر سلطه، جنگ، اشغال، و سرکوب است. در این میان، تجربه زنان از مقاومت در کشورهای چون فلسطین، الجزایر، بوسنی، آفریقای جنوبی و

فرانسه اشغالی، در قالب‌هایی متنوع از خاطره‌نگاری، رمان، شعر و داستان بازتاب یافته و فرصت مناسبی برای تطبیق و سنجش با ادبیات پایداری زنان در ایران فراهم می‌سازد.

عاملیت زنانه در ادبیات مقاومت جهانی

در بسیاری از متون مقاومت جهانی، زنان نه تنها به عنوان قربانی یا پشت جبهه، بلکه به مثابه کنشگرانی سیاسی، نظامی و فرهنگی بازنمایی شده‌اند. به عنوان نمونه، در خاطرات گیسل هالیمی از مقاومت الجزایر، زنان مبارزی چون «جمیله بوحیر» نه فقط نقش پشتیبانی، بلکه عاملیت در مبارزه مسلحانه و تصمیم‌سازی دارند. همچنین در رمان‌های اسماعیلا کین در حوزه آفریقای غربی، زنان هم‌زمان بار جنگ، فقر، و هویت را بر دوش می‌کشند، در حالی که گاه در ادبیات ایرانی، این وجوه با نوعی بازنمایی آرمانی و از خودگذشته همراه است (Boisard, 2013: 112).

مرز میان حماسه و واقع گرایی

ادبیات مقاومت در ایران، به ویژه در حوزه ادبیات زنانه، گرایش به حماسه‌سازی دارد، حال آن‌که در ادبیات جهانی، رویکردهای واقع‌گرایانه‌تر و گاه حتی انتقادی به تجربه جنگ و خشونت دیده می‌شود. به عنوان مثال، در خاطرات زنان بوسنیایی از جنگ دهه ۹۰، مفاهیمی چون ترس، شکست، تجاوز، و خلأهای پساجنگ به صراحت بازگو می‌شود (Zarkov, 2007: 56)؛ در حالی که در خاطره‌نگاری زنانه جنگ ایران، همانند کتاب کوچه نقاش‌ها، تمرکز اصلی بر ایثار، ایمان و مقاومت است و بسیاری از تجربه‌های روانی و جنسیتی زنانه، در حاشیه قرار می‌گیرد.

نسبت جنسیت و ملیت

در ادبیات مقاومت جهانی، عنصر جنسیت اغلب با گفتمان‌های ناسیونالیستی در تنش قرار می‌گیرد. بسیاری از نویسندگان زن در جهان عرب و آفریقا، مانند نجیب محفوظ یا طیب صالح، این تنش را در داستان‌های خود از خلال شخصیت‌های زن بسط داده‌اند. در ایران نیز، این مسئله قابل بررسی است؛ زن ایرانی مقاوم اغلب با هویت دینی-ملی بازنمایی می‌شود، که این بازنمایی هرچند الهام‌بخش است، اما در مواردی امکان تنوع تجربه‌های جنسیتی را کاهش داده است (Ahmadi, 2020: 41).

اشتراکات و تفاوت‌ها

شباهت‌های قابل توجهی در بُعد ایثار، مادری، همبستگی جمعی و خلق حافظه مقاومت در این ادبیات‌ها دیده می‌شود. با این حال، تفاوت اصلی در میزان آزادی روایت، حضور عناصر انتقادی و امکان بازنمایی چندصدایی تجربه زنانه در ادبیات جهانی نسبت به موارد مشابه ایرانی مشهود است. به عنوان نمونه، در ادبیات فلسطینی، آثاری چون طنجاوی‌ها یا نوشته‌های سحر خلف، زن فلسطینی با تردید، ترس، و گاه بی‌اعتمادی به ساختار مردانه مقاومت نیز مواجه می‌شود، در حالی که در ادبیات پایداری ایران، چنین لایه‌هایی کمتر مجال بروز دارند (Kanafani, 1998: 74).

جایگاه زن در ادبیات پایداری ایران

ادبیات پایداری ایران، به ویژه پس از وقوع انقلاب اسلامی و در دوران هشت سال دفاع مقدس، بستری مؤثر برای بازنمایی نقش‌های چندگانه زنان در بستر جنگ فراهم ساخت. در این ادبیات، زن از حاشیه‌نشینی در متون مردسالارانه کلاسیک به مرکز گفتمان پایداری منتقل می‌شود و با ایفای نقش‌هایی متنوع، به سوژه‌ای فعال، مؤثر و چندبُعدی تبدیل می‌شود.

(۱) زن به مثابه حامی و پشتیبان جبهه

در بسیاری از متون خاطره‌نگاری و روایت‌های جنگ، زن در مقام مادر، همسر، خواهر یا دختر رزمنده، با نقش‌های حمایتی تصویر می‌شود. او در این بازنمایی، نه تنها نقش سنتی خود را حفظ می‌کند، بلکه با پشتیبانی لجستیکی، فرهنگی و عاطفی از جبهه‌ها، در تولید گفتمان مقاومت مشارکت می‌ورزد.

به عنوان مثال، در کتاب خاطرات دا نوشته‌ی زهرا حسینی، نقش مادر در تربیت فرزندان رزمنده، حضور در خط مقدم و تاب‌آوری در برابر شهادت عزیزان، بازتابی از این وجه پشتیبانی زن است (حسینی، ۱۳۸۷). همچنین در کتاب من زنده‌ام نوشته معصومه آباد، مادران و همسران اسیران جنگی نه فقط رنج را تحمل می‌کنند، بلکه راویان زنده‌ی مظلومیت و پایداری نیز هستند (آباد، ۱۳۹۲).

۲ زن به عنوان کنشگر مستقیم و داوطلب

یکی از ویژگی‌های برجسته ادبیات پایداری ایران، تصویر زنانی است که به صورت داوطلبانه در مناطق جنگی حاضر شده، مسئولیت‌های امدادی، پرستاری، فرهنگی و گاه حتی اطلاعاتی برعهده گرفته‌اند. این تصویر، زنان را از مقام صرفاً عاطفی، به عاملی فعال در عرصه‌های خطرناک و تصمیم‌گیر ارتقا می‌دهد.

کتاب‌هایی چون گلستان یازدهم درباره همسر شهید علی چیت‌سازیان، و رسول مولتان که روایت‌گر تلاش‌های امدادگران زن در جبهه‌هاست، نمونه‌هایی بارز از بازنمایی زنان در خطوط مقدم هستند. این روایت‌ها از نظر گفتمانی، شکاف میان فضای سنتی خانه و میدان جنگ را پر کرده و زن را در مرزهای جدیدی از هویت تعریف می‌کنند (میرصادقی، ۱۳۹۳).

۳ زن در مقام راوی و حافظه‌ساز جنگ

با گسترش خاطره‌نویسی زنان پس از دهه ۸۰ شمسی، ادبیات پایداری زنانه، تبدیل به ابزاری برای ساخت حافظه جمعی از منظر زنانه شده است. این متون، نه فقط وقایع، بلکه تجربه زیسته زنان از جنگ، ترس، فراق، امید و مقاومت را ثبت می‌کنند. به طور خاص، کتاب‌هایی چون کوچه نقاش‌ها نوشته‌ی زهرا ناهیدی و لانه جاسوسی نوشته فاطمه صادقی، نمونه‌هایی از روایت‌های زنانه‌ای هستند که با زبانی صمیمی اما دقیق، تاریخ جنگ را از زاویه‌ای کمتر دیده‌شده بازگو می‌کنند (ناهیدی، ۱۳۹۰؛ صادقی، ۱۳۸۴). این متون باعث شکل‌گیری نوعی «خاطره‌نگاری زنانه» شده‌اند که در آن، زن نه تنها راوی جنگ، بلکه سازنده هویت پساجنگ نیز هست.

۴ زن در شعر و ادبیات داستانی مقاومت

در حوزه شعر پایداری، شاعرانی چون سپیده کاشانی، طاهره صفارزاده، و الهه حسینی، با بهره‌گیری از زبان حماسی-عاطفی، چهره‌هایی نمادین از زن مقاوم خلق کرده‌اند. در داستان نیز، نویسندگانی مانند ناهید پارسا و فریبا وفی، با پرداختن به نقش‌های متکثر زنان در دوران جنگ، به ابعاد عمیق‌تری از روان و تجربه زنانه نزدیک شده‌اند.

در داستان کوتاه بعد از ظهر آخر پاییز اثر فرخنده آقایی، زن جنگ‌زده‌ای را می‌بینیم که در فضای شهری پساجنگ، با خاطره فرزند شهیدش زندگی می‌کند. این روایت‌ها، زن را در تلاقی میان سوگ، معنا و بازسازی، تصویر می‌کنند.

۵ زن به عنوان عامل پایداری فرهنگی و ارزشی

ادبیات پایداری همچنین زن را به عنوان منتقل‌کننده و حافظ ارزش‌های دینی، انقلابی و ملی معرفی می‌کند. نقش زن در تربیت نسل مؤمن، در آموزش سبک زندگی اسلامی-انقلابی، و در مقاومت نرم فرهنگی، بخش مهمی از روایت‌های مستند و داستانی را به خود اختصاص داده است.

در مجموع، جایگاه زن در ادبیات پایداری ایران، جایگاهی پویا و متکثر است که از مرزهای کلیشه‌ای نقش‌های جنسیتی عبور کرده و امکان‌های جدیدی از روایت و سوژه‌مندی را برای زنان فراهم کرده است. البته همچنان چالش‌هایی در بازنمایی تجربه‌های انتقادی، متکثر و غیرآرمانی زنانه در این حوزه باقی است.

نتیجه‌گیری :

ادبیات پایداری در ایران، به‌مثابه بازتابی از تجربه جمعی ملت در مواجهه با جنگ تحمیلی و تحولات اجتماعی پس از انقلاب، بستری بی‌بدیل برای مطالعه گفتمان‌های هویتی و جنسیتی فراهم کرده است. بازخوانی این ادبیات با تمرکز بر بازنمایی زنان، نشان می‌دهد که در بطن گفتمان انقلاب و دفاع مقدس، زن ایرانی از حاشیه‌نشینی تاریخی فاصله گرفته و در جایگاهی فعال و چندلایه قرار می‌گیرد؛ جایگاهی که در آن، زن نه تنها مادر یا همسر شهید، بلکه راوی، رزمنده، امدادگر، مربی و حافظ ارزش‌های مقاومت است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بازنمایی زنان در ادبیات پایداری ایران از دو منظر قابل تحلیل است: نخست، از منظر تثبیت نقش‌های سنتی در قالبی جدید و متعالی که به زن شأنی قدسی و فداکارانه می‌بخشد؛ و دوم، از منظر بازتعریف نقش‌های اجتماعی و سیاسی زنان در دل گفتمان مقاومت، که آنان را به بازیگران مؤثر در عرصه ملی و فراملی بدل می‌کند. این تحولات با متونی چون دا، گلستان یازدهم، پری‌چهره و من زنده‌ام قابل ردیابی است؛ متونی که زنان در آن‌ها از «بژه روایت» به «سوژه روایتگر» تبدیل می‌شوند. در خوانش تطبیقی با ادبیات مقاومت جهانی—به‌ویژه نمونه‌های فلسطینی، آفریقایی و آمریکای لاتین درمی‌یابیم که وجه مشترک در این متون، مقاومت در برابر استعمار، اشغال و سلطه است؛ اما آن‌چه ادبیات پایداری ایران را متمایز می‌کند، هم‌نشینی مقاومت با امر قدسی، و اتصال آن به هویتی دینی-ملی است که بازنمایی زن را در قالب مفاهیم شهادت، ایثار، و رسالت تاریخی-الهی معنا می‌کند. در عین حال، نقد گفتمان جنسیت در این متون نشان می‌دهد که هرچند گام‌های مهمی در جهت مرکزیت‌بخشی به زنان برداشته شده، اما همچنان برخی کلیشه‌ها و چارچوب‌های تثبیت‌شده جنسیتی در بخش‌هایی از این متون تکرار شده‌اند. بدین معنا که زن پایداری، اگرچه فعال و ایثارگر است، اما عمدتاً در چارچوب «مادرانه»، «عفیانه» و «وفادارانه» تصویر می‌شود، و کمتر به سوی استقلال‌کنشگری مدنی و روایت تجربه زیسته از منظر زنانه پیش می‌رود. در نهایت، این مطالعه نشان می‌دهد که ادبیات پایداری ایران ظرفیتی عظیم برای بازتعریف هویت زن ایرانی در بستر مقاومت دارد؛ ظرفیتی که در تعامل با تحولات فرهنگی و گفتمان‌های جهانی می‌تواند در جهت تقویت عدالت جنسیتی و تولید روایت‌های بدیل زنانه توسعه یابد. پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آتی، تمرکز بیشتری بر روایت‌های زنانه مستقل، تجربه‌های حاشیه‌ای، و ادبیات شفاهی زنان در دوران جنگ صورت گیرد تا تصویر جامع‌تری از زن در بستر مقاومت ترسیم گردد.

منابع

۱. آوینی، سید مرتضی. حلزون‌های خانه به دوش. تهران: واحة، ۱۳۸۳.
۲. بلاغی، حمید. ادبیات مقاومت؛ مفاهیم و گونه‌شناسی. تهران: سوره مهر، ۱۳۹۵.
۳. پاک‌نیا، فاطمه. «تحلیل گفتمان زن در ادبیات پایداری». پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۱۷، شماره ۲، ۱۴۰۱.
۴. پورجعفری، محمدرضا. جلوه‌های زن در ادبیات جنگ ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴.
۵. حسینی، زهرا. دا. تدوین سیده اعظم حسینی، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۸.
۶. درویشیان، علی‌اشرف. روایت‌های زنانه از جنگ. تهران: نگاه، ۱۳۹۲.
۷. رضایی، علی. «مطالعه تطبیقی ادبیات پایداری ایران و فلسطین». مطالعات ادبی تطبیقی، سال ۴، شماره ۱، ۱۴۰۰.
۸. سلطانی، معصومه. «نقش زنان در خاطره‌نگاری دفاع مقدس». زن در توسعه و سیاست، سال ۱۹، شماره ۳، ۱۴۰۱.
۹. شایگان‌فر، زهرا. ادبیات پایداری و جایگاه زن در آن. تهران: فلات، ۱۳۹۸.
۱۰. کریمی، پروانه. «بازنمایی زن در متون داستانی دفاع مقدس». مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ۱۶، شماره ۴، ۱۴۰۰.
۱۱. ملکی‌تبار، ناهید. «تحلیل گفتمان جنسیتی در روایت‌های زنانه جنگ». پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال ۲۵، شماره ۲، ۱۴۰۰.
۱۲. موسوی، منصوره. زنان و جنگ؛ بازنمایی در رمان دفاع مقدس. تهران: سمت، ۱۳۹۵.

منابع:

1. Al-Ali, N. S. (2009). *Women and War in the Middle East: Transnational Perspectives*. Zed Books.
2. Avini, S. M. (2004). *Snails of the House on the Move*. Tehran: Vāheh. (In Persian)
3. Balaghi, H. (2016). *Resistance literature: Concepts and typology*. Tehran: Sooreh Mehr. (In Persian)
4. Cooke, M. (1996). *Women and the War Story*. University of California Press.
5. Darvishian, Ali-Ashraf. (2013). *Feminine narratives of war*. Tehran: Negah. (In Persian)
6. Elshtain, J. B. (1995). *Women and War*. University of Chicago Press.
7. Hosseini, Z. (2009). Da. Editorial by Seyedeh Zahra Hosseini. Tehran: Sooreh Mehr. (In Persian)
8. Karimi, P. (2021). Representation of women in wartime narrative. *Culture Studies & Communications*, 16(4), (In Persian)
9. Malekitabar, Nahid. (2021). Gender-discourse analysis in women's war narratives. *Journal of Social Sciences Research*, 25(2). (In Persian)
10. Mosavi, Mansoureh. (2016). *Women and war: representation in the defense novel*. Tehran: Samt. (In Persian)
11. Nikro, N. S. (2012). *The Fragmenting Force of Memory: Self, Literary Style, and Civil War in Lebanon*. Cambridge Scholars Publishing.
12. Paknia, Fatemeh. (2022). "Discourse analysis of women in resilience literature." *Literary Criticism and Eloquence Journal*, 17(2). (In Persian)
13. Pourjafari, Mohammadreza. (2015). *Women's manifestations in Iran's war literature*. Culture and Thought Research Institute. (In Persian)
14. Rezaei, Ali. (2021). A comparative study of Iranian and Palestinian resilience literature. *Comparative Literary Studies*, 4(1). (In Persian)
15. Shayeganfar, Z. (2019). *Resilience literature and women's place within it*. Tehran: Falah. (In Persian)
16. Soltani, M. (2022). The role of women in memoirs of defense: A feminist perspective. *Women in Development and Politics*, 19(3), 1401. (In Persian)
17. Suleiman, Y. (2006). *Literature and War in the Middle East*. I.B. Tauris.